

## بزرگترین قرارداد نفتی پس از انقلاب، به نام جذب سرمایه گذاری خارجی، منابع نفت و گاز ایران را به انحصارات فراملی واگذار می کند

مسئولان و گردانندگان رژیم به ویژه باندا رفسنجانی و جناح ذوب در ولایت، عقد قرارداد مذکور را، یک پیروزی بزرگ و با اهمیت نامیدند. روزنامه اطلاعات از قول معاون وزیر نفت در این باره نوشت: این قرارداد نشانگر تقویت چشمگیر تلاش های جمهوری اسلامی برای جذب سرمایه خارجی است. مقام های سیاسی و نیز رؤسای شرکتهای ژاپنی بر پایه آنچه به امضاء رسیده است، می گویند، ژاپن به نحوی قابل توجه و اطمینان بخش امنیت تأمین انرژی خود را از راه امتیاز استخراج و صدور نفت از میدان

ادامه در صفحه ۴

**شرکت نماینده حزب توده ایران در  
میزگرد سیاسی حول محور اتحادها  
و جشن سی و سومین سالگرد بنیان  
گذاری سازمان فدائیان خلق ایران**

روز شنبه ۹ اسفندماه ۱۳۸۲، جشن سی و سومین سالروز تاسیس سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، در شهر بن آلمان فدرال برگزار گردید. یکی از برنامه های این جشن برگزاری میزگرد سیاسی با عنوان: «اتحاد برای شکل گیری یک آلترناتیو جمهوریخواه، دموکراتیک و سکولار» با حضور نمایندگان احزاب و سازمان های چپ و دموکرات بود، که به دعوت و میزبانی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، برگزار شد. در این میزگرد علاوه بر نماینده سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، نمایندگان حزب توده ایران، حزب دموکرات کردستان ایران، سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران و نماینده سازمان های جبهه ملی ایران (برونمرز) نیز شرکت داشتند. در بخش اول میزگرد هریک از نمایندگان این امکان را یافتند تا نقطه نظرات احزاب و سازمان های خود را پیرامون موضوع اتحادها بیان کرده و به تبادل نظر پردازند. بخش دوم میزگرد سیاسی را پرسش و پاسخ تشکیل می داد. میهمانان و شرکت کنندگان در جشن سی و سومین زادروز فدائیان خلق،

ادامه در صفحه ۲

**اعتراض سراسری فرهنگیان کشور در صفحه ۳  
حزب کمونیست عراق: در قلب مبارزه برای آینده  
دموکراتیک عراق در صفحه ۵**

در گرماگرم بحران حادی که، سرپای جامعه را فراگرفته بود و در شرایطی که ارتجاع تمام توان خود را برای تشکیل مجلس فرمایشی با شعار عوام فریبانه آبادانی و سازندگی و بهبود وضعیت معیشتی مردم به کار می گرفت، مجموعه اقداماتی در عرصه اقتصادی رخ داد که محتوی و مفهوم سیاسی معینی را به همراه داشته و دارد. چند روز به برگزاری انتخابات مجلس هفتم، رژیم ولایت فقیه قرارداد نفتی مهمی را با ژاپن به امضاء رسانید. قرارداد ۲ میلیارد دلاری توسعه میدان عظیم نفتی آزادگان واقع در استان خوزستان که بزرگترین قرارداد نفتی ایران پس از انقلاب و در طول ۲۵ سال گذشته است.

## ایران پس از انتخابات فرمایشی و ضد مردمی اسفندماه ۱۳۸۲

مجلس شورای اسلامی یکی از کم رونق ترین نمایش های رژیم در تمامی طول تاریخ بیست و پنج ساله آن بوده است. بررسی آماری انتخابات اخیر نشان می دهد که شمار شرکت کنندگان در انتخابات حتی از انتخابات شوراهای سال پیش نیز کمتر بوده است و تنها انتخابات مجلس خبرگان در سال ۱۳۷۷، شمار کمتری از رای دهندگان را جذب کرده است. بر اساس آخرین آمار منتشر شده از سوی وزارت کشور در بسیاری از شهرهای بزرگ کشور شمار رای دهندگان بین ۲۰ تا ۲۵ درصد واجدین شرایط بوده است و این تازه بدون احتساب صدها هزار آرای باطل و سفید است که به صندوق های رای ریخته شده است. به عنوان نمونه میزان شرکت مردم در انتخابات تهران نسبت به انتخابات ششمین دوره مجلس بیش از ۸۵ درصد کاهش نشان می دهد. افزون بر این نگاهی به آرای اعلام شده منتخبان تهران از جمله نماینده اول و دوم یعنی حداد عادل و توکلی نشان می دهد که این افراد با کسب ۱۰ درصد آراء واجدین حق رای در تهران به مجلس هفتم راه یافته اند.

نکته دیگر اینکه انتخابات اول اسفندماه ۱۳۸۲، از سوی وسیع ترین طیف نیروهای

ادامه در صفحه ۶

انتخابات هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی در شرایط مفتضحانه یی برگزار و به پایان رسید. از هفته ها پیش از برگزاری انتخابات مرتجعان حاکم، به رهبری ولی فقیه رژیم با رد صلاحیت هزاران نفر از واجدین شرایط، تهدید مخالفان و نمایندگان معترض و متحصن مجلس به سرکوب شدید و بستن روزنامه ها و فیلتر گذاری پایگاه های اینترنتی خبری در واقع اعلام کرده بودند که مصمم اند با پاکسازی مجلس از عناصر مزاحم، منتقد مجلسی یکدست و کاملاً در راه ولایت را مستقر و مسیر بازگشت ایران به دوران پیش از خرداد ۷۶ را هموار سازند. در ارزیابی هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی نکات زیر حائز اهمیت است.

### انتخابات اول اسفند - انتخابات ضد دموکراتیک و فرمایشی

گرچه رسانه های گروهی رژیم ولایت فقیه، در روزهای پیش از انتخابات و همچنین در روزهای اخیر تلاش فوق العاده یی را در زمینه «پرشور بودن» و «مردمی» وانمود کردن انتخابات به کار گرفتند، ولی با روشن شدن تقلبات گسترده انتخاباتی از یک سو و تحریم وسیع انتخابات از سوی اکثریت قاطع مردم میهن ما روشن شده است که انتخابات اخیر



شماره ۶۸۱، دوره هشتم  
سال بیستم، ۱۲ اسفند ماه ۱۳۸۲

**با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری**

**برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»!**

## ادامه شرکت نماینده حزب توده ایران ...

در راه ایجاد تغییرات اساسی و بنیادین در کشور ارتباط تنگاتنگی با تلاش واحد همه نیروهای سیاسی معتقد به آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی دارد.

حزب ما بر این اعتقاد است که به رغم بحران همه جانبه در عرصه های مختلف به ویژه بحران مشروعیت نظام، و ضرورت تاخیر ناپذیر تحولات بنیادین و تامین خواسته های مردم، تا زمانی که ضعف اساسی جنبش و نیروهای آزادی خواه و مترقی را عدم سازمان یافتگی و نبود یک برنامه مشخص مبارزاتی مشترک تشکیل می دهد، دست یابی به تحولات بنیادین، امری است غیر ممکن. به اعتقاد ما احزاب و سازمان های ملی و آزادی خواه باید با اتحاد خود نقش موثرتری در رویدادهای کشور ایفا کنند. اگر این احزاب و سازمان ها بتوانند به پراکندگی و دشواری های امروز خود غلبه کنند، بی شک با اتکاء به پایگاه وسیع اجتماعی خود در بین مردم، و نارضایتی عمیق توده ها نسبت به رژیم، یکی از نیروهای عمده تحولات میهن خواهند بود. با چنین درک و ضرورت درنگ ناپذیری است که حزب توده ایران با ارائه "منشور آزادی" و پیش نهاد تشکیل "جبهه واحد ضد دیکتاتوری" از همه نیروهای آزادی خواه و دمکراتیک کشور برای مبارزه مشترک با رژیم استبدادی دعوت کرده، و آمادگی خود را برای گفت و گو و مذاکرات دو جانبه و چند جانبه بین احزاب و سازمان های مردمی از جمله سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) اعلام کرده است. ما این امر را یک وظیفه ملی و میهنی می دانیم و اعتقاد داریم که این تنها راه ممکن برای برداشتن سد دیکتاتوری و دستیابی به آزادی است.

رفقای عزیز،

سی و سومین سالگشت بنیان گذاری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، هم چنین، مصادف است با بیست و پنجمین سالگرد انقلاب بهمن ۱۳۵۷. انقلابی که با شرکت قشرهای و طبقات مختلف به ویژه توده های میلیونی کار و زحمت بر ضد رژیم استبدادی و وابسته شاه به پیروزی رسید. این انقلاب هم چنین در سایه تلاش ها و فداکاری های همه نیروهای انقلابی و آزادی خواه از جمله فدائیان خلق به وقوع پیوست. شعار اصلی قشرهای و طبقات گوناگون شرکت کننده در این انقلاب همانا آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی بود که متأسفانه به دلیل پشت کردن حاکمیت برآمده از آن به خواست های مردم، نتوانست اهداف اصیل این انقلاب آن گونه که شایسته این جنبش بزرگ و مردمی بود، به ثمر بنشیند. در نتیجه ما امروز بیست و پنج سال پس از انقلاب بهمن، هم چنان شاهد فاجعه ای به نام "ولایت فقیه" هستیم که هرگونه صدای مخالفی را حتا در دایره محدود حکومت خود خفه می کند.

با این وجود، این انقلاب، حاوی تجربه یی است که نشان می دهد صف متحد خلق می تواند رژیم های دیکتاتوری را با شکست روبه رو کرده و خواست های مردم را به کرسی بنشانند. ما در شرایطی بیست و پنجمین سالگرد پیروزی انقلاب را برگزار می کنیم که اهداف و آرمان های انقلاب بهمن همچنان تحقق نیافته باقی مانده است. رویدادهای سال های گذشته به خصوص پس از دوم خرداد ۷۶ و برگزاری چند رفراندوم، در شکل انتخابات ریاست جمهوری و انتخابات مجلس ششم که در آن مردم برای چندمین بار دست رد به سینه استبداد زدند، همه حاکی از تضاد آشتی ناپذیر رژیم

توانستند پرسش های خود را تا آن جا که وقت اجازه می داد، با نمایندگان احزاب و سازمان های حاضر در این گفت و گوی سیاسی مطرح کنند.

نماینده حزب توده ایران در این گفت و گوی سیاسی، ضمن تبریک سالگرد بنیاد گذاری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و تشکر از دعوت برای شرکت در گفت و گوی سیاسی، به تشریح دیدگاه های حزب توده ایران درباره موضوع اتحادها و ضرورت برداشتن گام های عملی در این زمینه پرداخت. وی با اشاره به انتشار "منشور آزادی" و طرح پیش نهادی حزب برای تشکیل "جبهه واحد ضد دیکتاتوری" گوشه هایی از تلاش های حزب توده ایران را برای حرکت به سمت همکاری و اتحاد عمل سیاسی با سایر نیروهای مترقی و آزادی خواه، بازگو کرد. در پایان یک بار دیگر آمادگی حزب توده ایران برای گفت و گو و مذاکره دو جانبه و چند جانبه با هدف تشکیل یک اتحاد وسیع از احزاب و سازمان ها و شخصیت های سیاسی ملی و آزادی خواه، مورد تأکید قرار داد. علاوه بر این رفقای توده ای در این جشن، با برگزاری میز کتاب و نشریات حزب این امکان را داشتند تا مطبوعات و نشریات حزب توده ایران را به علاقه مندان عرضه کنند.

هم چنین به مناسبت سالگرد بنیان گذاری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) پیام شادباشی نیز از جانب کمیته مرکزی حزب توده ایران به رفقای فدایی ارایه شد، که در زیر از نظر خوانندگان "نامه مردم" می گذرد.

## پیام شادباش کمیته مرکزی حزب توده ایران

### به مناسبت سی و سومین سالگرد بنیان گذاری سازمان

### فدائیان خلق ایران (اکثریت)

رفقای گرامی، دوستان عزیز،

حزب توده ایران فرا رسیدن سالروز بنیان گذاری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) را صمیمانه به شما تبریک می گوید، و برای شما سالی سرشار از موفقیت در پیکار با استبداد آرزو می کند.

سازمان شما اکنون بیش از سی و سه سال است که پایبند به آرمان های انسانی بنیادگذارانش که همانا کسب آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی برای مردم است به مبارزه خود ادامه می دهد، و در این سال های پر فراز و نشیب، فداکاری های زیادی از خود نشان داده است.

حزب توده ایران طی این سال ها، به رغم اختلاف نظر در شیوه و شکل مبارزه، صرف نظر از تفاوت در دیدگاه ها و ارزیابی های اجتماعی، همواره به پیکار فدائیان خلق به دیده احترام نگاه کرده است. طی این سال ها بغرنجی و پیچیدگی روندها و رویدادها، هم چنین تجارب متفاوت و زاویه نگرش میان حزب و سازمان، گاه تفاوت در برداشت های سیاسی و اشکال مبارزه را به دنبال داشته است. با این وجود ما همیشه آن جا که پای دفاع از زحمت کشان در میان بوده و هم چنین مبارزه با دیکتاتوری در مقابل ما قرار داشته است، در یک صف واحد و در یک سنگر مشترک پیکار کرده ایم.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در شرایطی زادروز خود را جشن می گیرد که خلق های میهن ما شرایط بغرنج و دشواری را از سر می گذرانند. حوادث هفته های اخیر به خصوص انتخابات فرمایشی مجلس هفتم یک بار دیگر ثابت کرد که پیکار در راه طرد رژیم "ولایت فقیه" مهم ترین عرصه مبارزه برای برون رفت از بحران همه جانبه یی است که میهن ما به آن مبتلاست. به همین خاطر، ما در سال های گذشته با اشاره به ضرورت سازمان دهی مستقل جنبش توده ها و نیروهای اجتماعی معتقد بودیم که سرنوشت جنبش و مبارزه

ادامه شرکت نماینده حزب توده ایران ...

ولایت فقیه با آرمان های آزادی خواهانه مردم میهن ماست. روندهای هفته های گذشته که به شکل یک کودتا توسط ارتجاع حاکم به رهبری خامنه ای و انصار او برای فیصله دادن به کار مجلس شورای اسلامی و تحمیل انتخابات فرمایشی بر مردم صورت گرفت، یک بار دیگر پوچ بودن نظراتی را به اثبات رساند که در سال های اخیر به دنبال استحاله رژیم و آشتی دادن ارتجاع با جنبش مردمی بودند. حوادث روزهای اخیر که چیزی جز تعطیلی کامل مجلس ششم نبود، در کنار تشدید روند ارباب و سرکوب مخالفان و مطبوعات منتقد، یک بار دیگر نشان داد که نمی توان با حفظ رژیم ولایت فقیه به آینده کشور و به ثمر نشستن روند اصلاحات در بطن آن امیدوار بود. به باور ما از آن جا که حکومت، دچار یک بحران همه جانبه و ساختاری است، باید تغییرات بنیادین را در بیرون از آن جست و جو کرد نه در "چانه زدن" در بالا. تحریم گسترده انتخابات هفتمین دوره مجلس اسلامی توسط مردم را نیز باید در تایید این نظر دید. تحولات سیاسی سال های گذشته و به بن بست رسیدن اصلاحات حکومتی و پایان ظرفیت وعده هایی که خاتمی در انتخابات قبلی به مردم داده بود، بار دیگر بر این تحلیل مهر تایید زد که مبارزه در راه طرد رژیم "ولایت فقیه" مهم ترین صحنه مبارزه برای برون رفت از بحران سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور است. به همین خاطر حزب توده ایران با شناخت از مبارزه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و پیکار فدائیان در راه آزادی و برای برقراری عدالت اجتماعی در میهن ما، خواهان ایجاد روابط نزدیک تر برای فعالیت های مشترک، در جهت یاری رساندن به مبارزه خلق های میهن مان است. حزب ما با آگاهی به وجود تفاوت در دیدگاه ها، بر سر این یا آن موضوع در گذشته و حال، هم چنان معتقد است که برای تحقق بخشیدن به خواست های برحق زحمتکشان و مبارزه با ارتجاع و استبداد، حزب و سازمان می توانند در مبارزه برای رهایی میهن از بندهای استبداد "ولایت فقیه" گام های عملی و جدی بردارند.

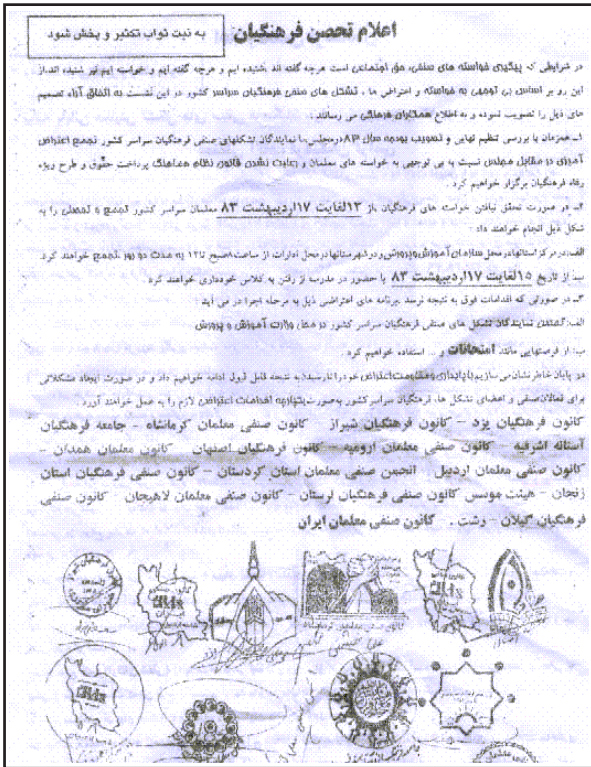
رفقای گرامی،  
در پایان، یک بار دیگر نیک ترین آرزوهای قلبی خود را به شما ابراز کرده و برای تان موفقیت هرچه بیشتر در مبارزه برای آزادی و عدالت اجتماعی آرزو می کنیم.

با درودهای فراوان به خاطره تابناک شهدای فدایی و همه شهیدان راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی میهن!  
برقرار باد اتحاد همه نیروهای آزادی خواه و مردمی!

کمیته مرکزی حزب توده ایران

«اتحاد، اتحاد، اتحاد!»

بیانیه اعتراضی فرهنگیان سراسر ایران بر ضد رژیم ولایت فقیه



در پی نشست انجمن های صنفی فرهنگیان کشور در یزد این نشست با صدور بیانیه یی اعتراض شدید خود را بر ضد مجموعه رژیم ولایت فقیه اعلام کرد.

در پی این نشست نمایندگان فرهنگیان کشور با حضور در مقابل مجلس اعتراض خود را به بی توجهی مسئولان نسبت به انبوه مشکلات فرهنگیان کشور اعلام کردند. در اعلامیه صادر شده از سوی نشست فرهنگیان کشور از جمله آمده است: تنها راهی که امروز مانده است، اتحاد و اتحاد است. در ادامه این

بیانیه آمده است: باز هم می گوئیم در مجموع نهادهای قانونی کشور ارادهای برای حل مشکلات فرهنگیان و رعایت عدالت و قانون هماهنگ نظام پرداخت حقوق وجود ندارد. اغلب مسوولان می گویند: ما می دانیم تبعیض وجود دارد، حق هم با شماست، اما نمی توانیم به معلم ها یا پرستارها به حد کافی حقوق بدهیم و امکانات یکی زندگی معمولی در اختیار آن ها قرار بدهیم. کشور پول ندارد. قبول داریم که حقوق یک میلیونی هم وجود دارد. اما چه کنیم؟! وای بر مجلسی که نمی تواند قانون مصوب نظام هماهنگ پرداخت را در بررسی بودجه سالانه پیگیری نماید و امروز نیز حتی حاضر نیست، بنا بر خواسته معلمان، حداقل هر ساله درصدی فراتر از نرخ تورم یا افزایش حقوق فرهنگیان موافقت کند و آنها را از تنگنای مشکلات رها سازد. این بیانیه آورده است: تنها راهی که امروز مانده است، اتحاد و اتحاد است. در این بیانیه با تاکید بر قانونی و صنفی بودن این حرکت آمده است: ما خواهان رفع تبعیض از حقوق و اجرای طرح ویژه فرهنگیان همچون بسیاری دیگر از کارکنان دولت هستیم که همه مسوولان بالای کشور نیز به آن باور دارند و از همه می خواهیم ما را در این راه یاری کنند. اما تا ما به طور جدی خواسته های به حق خودمان را نخواهیم کسی به فکر ما نخواهد بود. اگر دولت و قانونگذاران می توانند در همان روز اول یا دوم با اعلام پاسخ مثبت به خواسته های قانونی معلمان، اعتراض آنها را در آستانه سال نو به دلگرمی و رفع نگرانی و ادامه کار تبدیل نمایند. فعالان صنفی: آستانه اشریفیه - کانون صنفی معلمان شیراز - کانون صنفی یزد - کانون صنفی فرهنگیان اصفهان - کانون صنفی معلمان کرمانشاه - کانون صنفی فرهنگیان استان مرکزی - انجمن صنفی استان کردستان - کانون مستقل فرهنگیان آذربایجان شرقی - کانون صنفی فرهنگیان رشت - کانس صنفی فلاورجان - کانون صنفی فرهنگیان خوزستان و شوشتر - فرهنگیان شهرضا - کانون صنفی معلمان ارومیه، کانون صنفی معلمان ایران.

## ادامه بزرگترین قرارداد نفتی پس از انقلاب ...

نفتی آزادگان به دست آورده است. میدان عظیم آزادگان، یکی از بزرگترین میدانهای نفتی دست نخورده جهان است. وسعت جغرافیایی آن به اندازه تمامی شهر توکیو پایتخت ژاپن است و ذخیره کشف شده آن تاکنون بین ۲۵ تا ۳۵ میلیارد بشکه نفت در جا تخمین زده می شود. بنا به ارزیابی موسسه اقتصاد بین المللی آمریکا، این میدان نفتی دومین ذخیره بزرگ نفتی جهان است که از سال ۱۹۸۰ میلادی تا به امروز شناسایی گردیده. بر پایه توافقی که میان رژیم ولایت فقیه و شرکت های ژاپنی ژاپکس، اینپکس و تومن صورت پذیرفته، می بایست میدان آزادگان پس از تکمیل، به تولید حداقل روزانه ۶۰۰ تا ۷۰۰ هزار بشکه برسد.

بیژن نامدار زنگنه وزیر نفت خاتمی و مهره رفسنجانی پس از انعقاد قرارداد با ژاپن به خبرنگاران گفت: این قرارداد گام نخست در جهت آغاز دورانی نوین در روابط ایران و ژاپن بویژه در بخش انرژی شامل تمامی ابعاد آن از جمله پتروشیمی است. سخنگوی وزارت خارجه ژاپن نیز با صراحت یادآور شد: ژاپن بر اساس منافع ملی خود قرارداد میدان نفتی آزادگان را با ایران به امضاء رسانیده ... مواضع مثبت ایران در مورد همکاری با جامعه جهانی در خصوص برنامه اتمی اش در انعقاد قرارداد میان تهران - توکیو موثر بوده است.

نکته شایان توجه در خصوص قرارداد مذکور، علاوه بر زمان آن که بی شک به تقویت جناح ذوب در ولایت و باند رفسنجانی یاری رساند. عدم انتشار مواد و تبصره های آن است. اکنون در میان کارشناسان وزارت نفت، سخن از امضاء یک قرارداد یکجانبه و بکلی زیان بخش می رود. در واقع ژاپن به عنوان یکی از قطب های سرمایه داری جهانی از اوضاع پرتنش و بحرانی داخل کشور که در اثر تاخت و تاز ارتجاع پدید آمده، بهره جست و یک امتیاز انحصاری فوق العاده مهم و به ضرر منافع ملی ایران را به چنگ آورده است. یکی از موارد بسیار تأسف بار این قرارداد، اجبار جمهوری اسلامی به اخذ وام با بهره سنگین از بانکهای ژاپنی برای اجرای تعهدات در این قرارداد است. به بیان روشن، ژاپن هم امتیاز توسعه و بهره برداری از میدان نفتی آزادگان را به دست آورده و هم ایران را وادار ساخته برای اجرای تعهدات خود از بانکهای ژاپنی وام در یافت کند.

سخنگوی بانک همکاری های بین المللی ژاپن پس از انعقاد قرارداد میدان نفتی آزادگان، اعلام داشت، این بانک تصمیم گرفته است، برای تسریع در امر عرضه نفت خام ایران به ژاپن، وامی در اختیار ایران قرار دهد. به گفته همین مقام مسئول، این دومین وامی است که برای تضمین امنیت انرژی ژاپن در اختیار ایران گذاشته می شود. وام نخست در سال ۲۰۰۱ میلادی و به مبلغ ۳ میلیارد دلار بود. در باره میزان وام دوم که به مراتب بیشتر از اولی خواهد بود، هنوز هیچ اظهار نظر رسمی نشده است. آنچه مقامات ژاپنی به نام تضمین و تأمین امنیت انرژی بر آن تأکید می کنند. چیزی جز تأمین انرژی ارزان برای اقتصاد این کشور در دوران بحران های تشدید یافته نظام سرمایه داری جهانی نیست. افزون بر این در این راهبرد ژاپن، مهار چین و حفظ برتری مالی - اقتصادی در برابر چین توده بی جای ویژه و اساسی را دارا است. نکته یی را که نباید در این قرارداد و سیاست ژاپن به دست فراموشی سپرد، تلاش این کشور برای جلب همکاری شرکتها و انحصارات اروپایی و آمریکایی است. هم اکنون از مشارکت شرکت انگلیسی هلندی شل در توافق با شرکت ژاپنی اینپکس گزارشات متعددی در رسانه های اروپا و ژاپن انتشار یافته است. مسئولان شل بارها علاقمندی خود به حضور در میدان نفتی آزادگان را ابراز کرده اند.

علاوه بر قرارداد میدان نفتی آزادگان، تدوین قراردادی با انحصارات فراملی مراحل پایانی خود را طی می کند. بر اساس گزارشات منتشره، قرار است یک کنسرسیوم بین المللی، استخراج نفت از کلیه چاه های سراسر کشور را به نام "بهبود عمل کرد چاه های نفت و گاز با استفاده از تکنولوژی جدید" در اختیار خود بگیرد. مدیر پژوهش شرکت ملی نفت

ایران در گفتگویی با خبرگزاری کار ایران در اواخر بهمن ماه امسال یادآور شد که، کنسرسیومی مرکب از بریتیش پترولیوم، استات اویل، روناس، نورسک هیدرو، توتال، الف و فیفا، شل و شرکت ملی نفت ایران ایجاد می شود و سه پروژه مهم، یعنی توصیف مخازن، بازیافت مخازن و بهبود عملکرد چاه های نفتی را به طور کل در کلیه مناطق خشکی و فلات قاره به عهده می گیرد. همین منبع ضمن تأیید برنامه خصوصی سازی صنعت نفت و گاز و پتروشیمی تأکید کرد که از آنجا که هدف اصلی افزایش ظرفیت تولید نفت ایران به روزانه حداقل ۶ میلیون بشکه است، باید شرکت ملی نفت ایران تجاری (!!!) شده و ساختار مدیریت آن تغییر کند.

پیش از این نیز، معاون دفتر امور انرژی سازمان مدیریت و برنامه ریزی در رابطه با نقش شرکت ملی نفت در برنامه چهارم توسعه خاطر نشان ساخته بود: شرکت ملی نفت شبیه به یک اداره عمل می کند، بنابراین این به عنوان یک شرکت نفتی باید رابطه اش با دولت شفاف و مشخص باشد. صنعت پر سود و راهبردی پتروشیمی در معرض خصوصی سازی کامل قرار گرفته است، چندی پیش مدیریت این شرکت اعلام داشت که، با واگذاری اختیارات خود به شرکت های خصوصی داخلی و خارجی، به توسعه این صنعت یاری رسانده و برای تحقق خصوصی سازی تعهد می کند، تخفیف ۱۰ تا ۲۰ درصدی را برای شرکت های خصوصی از مواد خام مورد نیاز آنها در نظر بگیرد. خصوصی سازی صنعت نفت و عقد قرارداد های اسارت بار و مغایر با حقوق حقه مردم و منافع ملی ایران، از سیاست های کلی و کلان رژیم ولایت فقیه محسوب می شود و عالی ترین ارگانهای این رژیم نظیر ولی فقیه، شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام آن را تأیید کرده اند. این برنامه ها و به طور کلی سیاست اقتصادی بی که توسط رژیم در کشور اجرا می شود تکیه گاهی است که ارتجاع ایران می کوشد و کوشیده است با قول تسریع در اجرای آنها از پشتیبانی امپریالیسم در مقابل جنبش مردمی برخوردار گردد و حمایت بین المللی را کسب کند. بی جهت نبود، درست روز پس از برگزاری انتخابات یعنی در دوم اسفند ماه ۸۲، بنگاه خبر پراکنی انگلیس، بی بی سی در گزارشی اعلام داشت: حمایت از نوسازی اقتصادی (بخوان خصوصی سازی) در ایران فراتر از جمع اصلاح طلبان رفته است ... پیروزی محافظه کاران (بخوان ارتجاع سیاه) لزوماً به معنای پایان تلاش برای تجدید نظر در اصلاحات اقتصادی نیست ... طرفداران اصلاحات در داخل و خارج کشور امیدوارند با کمتر شدن نقش دولت، شاهد حضور با ثبات بخش خصوصی باشند. و یا اینکه خبرگزاری فرانسه با اشاره به رویدادهای کشور و قلع و قمع اصلاح طلبان حکومتی و دیگران توسط واپس گرایان جناح ذوب در ولایت، در باره رخ دادهای میهن ما تصریح کرد: شکست اصلاح طلبان در انتخابات، اصلاحات اقتصادی را متوقف نخواهد کرد ... مجلس هفتم می تواند به مذاکرات فروش ۴۰۰ شرکت دولتی به بخش خصوصی پایان دهد. به این ترتیب باید با صراحت هر چه تمام تر خاطر نشان سازیم که، در آینده شاهد وضعیتی خواهیم بود که در آن ارتجاع برای تحکیم موقعیت خود و زیر شعار حفظ نظام با تشدید اختناق و پیگرد دگراندیشان در داخل کشور امتیازات بزرگ و غیر قابل تصویری را بر خلاف منافع ملی به امپریالیسم واگذار کند تا حمایت و یا انفعال و سکوت بین المللی را برای خود تأمین کند. امضاء قرارداد میدان نفتی آزادگان با ژاپن پیش در آمد این سیاست تاریک اندیشان است. بجاست در پایان و برای تأیید این واقعیت گفته های کاظم انبارلویی سردبیر روزنامه رسالت یعنی ارگان ارتجاع و سرمایه داری انگلی ایران را مورد توجه قرار دهیم، وی در گفتگویی با خبرنگار سیاسی خبرگزاری ایسنا در ارتباط با سیاستهای اقتصادی در سطح کلان چنین گفته است. این سیاستها تابع تصمیمات افراد و احزاب نیست و چون در سطح کلان طراحی و عملیاتی می شود، تغییر چندانی در آن رخ نخواهد داد، اما از نظر اجرا و نظارت قطعاً اتفاقاتی خواهد افتاد و دقت هایی صورت خواهد گرفت. اتفاق ها و دقت هایی که قرار است صورت بگیرد، عبارت است از شتاب بخشیدن به برنامه خصوصی سازی و واگذاری امتیازات بزرگ به انحصارات امپریالیستی یعنی برنامه هایی که ارتجاع در صدر اهداف خود قرار داده است. با این برنامه های ضد ملی باید متحد و متشکل مبارزه کرد!

## حزب کمونیست عراق:

### در قلب مبارزه برای آینده دموکراتیک عراق

مبارزه نیروهای مردمی عراق، و در مرکز آن حزب کمونیست عراق، برای پایان دادن به اشغال نظامی کشور و تضمین آینده‌ی دموکراتیک و مستقل به مراحل حساس و تعیین کننده‌ی ای وارد شده است. کمونیست‌های عراقی در حالی که از یک سو درگیر مبارزه سرنوشت ساز گسترش و بازسازی تشکیلاتی حزب می‌باشند، از سوی دیگر با احساس مسئولیت کامل در کارزار برای جلوگیری از تکوین یک دیکتاتوری مذهبی و همچنین تدوین قانون اساسی موقت عراق شرکت فعال دارند.

انتشار سند «اصول عمومی» قانون اساسی از سوی حزب کمونیست عراق پیش از شروع مباحثات داغ اجلاس شورای حکومتی عراق در روزهای ۸ الی ۱۲ اسفندماه در مورد کلیات «قانون اداره انتقالی»، نمایش دهنده حضور پر قدرت سیاسی و معنوی در قلب مبارزات مردم عراق در این لحظات حساس است. اصول پیشنهادی حزب کمونیست عراق که بسیاری از آن‌ها در سند مصوب اجلاس انعکاس یافت، با در نظر گرفتن نیازهای عاجل جامعه و شرایط بغرنج کشور همسایه غربی میهن مان و با هدف تضمین منافع زحمتکشان تنظیم شده است. رفیق حمید مجید موسی، رهبر حزب برادر که عضو شورای حکومتی ۲۵ نفره است، یک هفته قبل از شروع بحث‌های نهایی شورا در جریان یک کنفرانس مطبوعاتی، پیشنهاد های کمونیست‌ها را در رابطه با اصول کلی سند مطرح کرده بود. بر طبق این پیشنهاد های کمونیست‌ها مسأله محوری بودن نظر مردم عراق و ضرورت توجه به آرای آنان به مثابه مبنای مشروعیت حاکمیت را مورد تأکید قرار دادند. در یک پیشنهاد دیگر «قبول تمامی پیمان‌ها و میثاق‌های جامعه بین الملل و در صدر آن‌ها، منشور سازمان ملل و بیانیه جهانی حقوق بشر و دیگر میثاق‌های مربوط به این حقوق» مورد توجه قرار گرفته است. یک پیشنهاد دیگر حزب برادر ضرورت تضمین «حقوق مدنی و سیاسی، هم عمومی و هم فردی، آزادی بیان و عقیده، آزادی تظاهرات و تشکل، حقوق کودکان و زنان، حق تشکیل احزاب سیاسی و سازمان‌های حرفه‌ای، سندیکایی و تشکل‌های توده‌ای، و همه ساختارهای جامعه مدنی» را مورد توجه قرار می‌دهد. ضرورت انعکاس چند قومی بودن ملت عراق و احترام به موجودیت فدرال کردستان عراق در مجاورت تضمین حقوق قومی، اداری و فرهنگی ترکمن‌ها، آسوریان و دیگران در پیشنهاد های کمونیست‌های عراق قویاً مطرح شده است. در پیشنهاد های دیگر حزب برادر در کنار احترام به هویت اسلامی اکثریت مردم عراق، تضمین حقوق دیگر مذاهب و فرقه‌های مذهبی برای اجرای مراسم مذهبی خود، ضرورت برابر شماری همه مردم عراق و عدم هیچ‌گونه تبعیضی بر پایه قومیت، جنسیت، رنگ پوست، مذهب، زبان، عقیده سیاسی و ایدئولوژیک و یا مبداء اقتصادی و اجتماعی را مورد تأکید قرار می‌دهد. در روز ۱۱ اسفندماه چارچوب اصلی قانون اساسی موقت که پس از تحویل قدرت مرکزی از سوی نیروهای اشغالگر به شورای حکومتی در تیرماه آینده، به مرحله اجرا گذاشته خواهد شد، به تصویب رسید. نیروهای مسلمان شیعه با چند بخش این قانون به ویژه در رابطه با نقش اسلام در نظام حکومتی آینده، حقوق زنان و تعیین درصد مشخص برای تعداد نماینده زن در پارلمان آینده و به رسمیت شناختن خودمختاری کردستان عراق و محدوده اختیارات آن مخالفت داشتند و در روز ۸ اسفندماه در اعتراض به ملغی اعلام شدن قانونی که دوماه پیش در رابطه با حق رهبران مذهبی در تصمیم‌گیری در اختلافات زناشویی و خانوادگی تصویب شده بود، اجلاس را برای چند ساعت ترک کردند. نیروهای مسلمان شیعه سعی دارند که بر پایه بهره‌گیری از نقش گسترده مساجد در حیات مردم عراق در دوره پس از سقوط رژیم صدام و حقیقت تازه رس بودن تشکیلات نیروهای سیاسی عراق، با اصرار به برگزاری هرچه زودتر انتخابات کنترل اوضاع را به دست بگیرند. حزب کمونیست عراق با درک حساسیت اوضاع رهبری کارزار سیاسی برای تشکیل جبهه‌ی از نیروهای مترقی و دموکراتیک برای شرکت موثر در مبارزات سیاسی آینده کشور و از جمله در انتخابات آینده را بدست گرفته است. رفیق حمید مجید موسی در مصاحبه‌ی با نیویورک تایمز از قدم‌هایی در جهت تشکیل جبهه‌ی بی‌مرکب از حزب کمونیست عراق، حزب دموکرات کردستان عراق، جبهه میهنی کردستان عراق، حزب دموکرات ملی عراق و یک حزب دیگر سخن گفت. رفیق حمید موسی با اشاره به «گفتگوها و مذاکرات انجام شده» گفت که در آینده یک سخنگوی واحد به نمایندگی از سوی این جبهه متحد تعیین خواهد شد.

## نماینده حزب توده ایران

### در بیست و پنجمین کنگره حزب

#### کمونیست‌های نو

کنگره حزب برادر با شرکت وسیع و گسترده از نمایندگان سراسر نوژ و کمیته مرکزی حزب در محل برگزاری کنفرانس‌های سندیکاهای مرکزی کارگران-LO در حومه آسلو از تاریخ ۲۰ تا ۲۲ فوریه برابر با اول تا سوم اسفند با موفقیت برگزار شد. این کنگره برنامه‌ها و رهنمودهای سیاسی و سازمانی در رابطه با مبارزه ایدئولوژیکی درون حزبی که حزب برادر را تحت تأثیر خود قرار داده بود، مورد بحث و تبادل نظر قرار داد و به تصویب رساند.

دیگر مصوبه‌های مهم این کنگره مسأله آموزش اعضا، مبارزه برضد اتحادیه اروپا، برضد جنگ، همبستگی و مبارزه برای حقوق طبقه کارگر از جمله مبارزه در راه اصلاح قانون بازنشستگی بود. در رابطه با مبارزه برضد معضل‌های ایجاد شده از سوی اتحادیه مشترک اروپا EU با احزاب برادر در سطح اسکاندیناوی-دانمارک، فنلاند و سوئد تصمیم همکاری نزدیک و مشترک گرفته شد. مصوبات همچنین در برگیرنده شرکت فعال در جنبش بین المللی از جمله شرکت در کنفرانس‌ها و جلسات بین المللی.

پیام‌های تصویب شده در این کنگره در رابطه با همبستگی با مبارزات: فلسطین، کوبا، کره شمالی و مبارزه برضد جهانی شدن، بحران سرمایه داری و نقش و وظایف کمونیست‌ها در قبال بحران سرمایه داری، طرد طرح قبول قراردادهای موقت و استفاده از کارگران مهاجر، با استقبال پُر شور شرکت کنندگان کنگره قرار گرفت. در ضمن به کمیته مرکزی حزب کمونیست نوژ اجازه داده شد تا در مورد طرح اصلاحات بازنشستگی و مسأله برنامه‌های اتحادیه مشترک اروپا، یک کارزار تدارک دیده شود.

به دعوت حزب کمونیست نوژ نماینده حزب توده ایران به همراه نمایندگان دیگر کشورهای مهمان از جمله: احزاب کمونیست دانمارک DKP و KPD، حزب کمونیست یونان KKE، حزب کمونیست عراق، حزب کارگران کره شمالی و حزب کمونیست سوئد در محیطی گرم و صمیمانه در کنگره شرکت داشتند.

پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران نیز در کنگره با استقبال شرکت کنندگان و به پا خاستن و کف زدن همراه بود. نماینده حزب ما، با شرکت فعال در طول کنگره، وضعیت حساس حول انتخابات و تحریم آن توسط نیروهای مردمی در به شکست کشاندن نمایش انتخاباتی نیروهای ذوب در ولایت و انحصار طلب به نمایندگان شرکت کننده توضیح داد.

### ادامه انتخابات فرمایشی ...

سیاسی و اجتماعی کشور و همچنین افکار عمومی نیروهای ترقی خواه جهان به عنوان یک نمایش ضد دموکراتیک و ضد مردمی محکوم شد انتخاباتی که در آن جمع کوچک از مرتجعان و تاریک اندیشان به عنوان «قیم» مردم هزاران نفر را از شرکت در انتخابات محروم می کنند و تنها به کسانی اجازه شرکت می دهند که مجیز گو و کارگزار و گردانندگان اصلی رژیم هستند، نمی تواند انتخاباتی دارای هیچ گونه مشروعیت و قانونیتی در چارچوب های متعارف و دموکراتیک باشد.

### کودتای مرتجعان و انتخابات

حوادث روزهای پیش از انتخابات نشانگر آمادگی وسیع رژیم برای دخالت خشن و سرکوبگرانه در حد کودتای نظامی برای پیش بردن برنامه بی بود که از پیش تنظیم شده بود. آمادگی بیش از پیش نیروهای انتظامی و سرکوبگر، حضور فعال نظامیان وابسته به دستگاه های زیر نظر ولی فقیه، در حوزه های انتخاباتی، بستن روزنامه های شرق و یاس نو درست پیش از برگزاری انتخابات، فیلتر گذاری پایگاه اینترنتی «رویداد» و «امروز» به منظور خاموش کردن امکانات تبلیغاتی مخالفان در کنار فعالیت شدید گروه های چماق دار و نیمه مسلح رژیم همگی نشانگر برنامه های وسیع و از پیش تنظیم شده دستگاه ولایت برای کودتای پارلمانی و یکدست کردن مجلس هفتم بود. در این زمینه ولی فقیه رژیم در جریان برخوردهای میان مجلس و شورای نگهبان ضمن تظاهر به بی طرفی به طور بیش از پیش آشکاری به تهدید مخالفان پرداخت و ضمن متهم کردن اصلاح طلبان حکومتی به همکاری با «استکبار» عملاً بار دیگر این نظریه را به اثبات رساند که ولی فقیه رژیم و نهاد ولایت به عنوان نماد آشکار استبداد مطلق قرون وسطایی در میهن ما سد اساسی بی در برابر خواست های مردم و تلاش در راه انجام هرگونه حرکت اصلاحی، هر چند سطحی، در جامعه است.

### گروه غلط انداز «آباد گران» یا لیست مشترک خامنه ای - رفسنجانی - پوشش خدعه و تزویر سردمداران رژیم

از نکات مهم دیگر در زمینه انتخابات اول اسفند ماه حضور «گروه آباد گران» به عنوان لیست مشترک جناح راست در انتخابات دوره هفتم بود. اگرچه تلاش گسترده بی برای پنهان نگاه داشتن وابستگی این گروه به سران رژیم صورت گرفته است ولی به اندازه کافی روشن است که گروه «آباد گران» همچون گروه «کارگزاران سازندگی» دستپخت مشترک رفسنجانی و دیگر سران رژیم است. مردم ما به خوبی به یاد دارند که پیش از انتخابات پنجمین دوره مجلس رفسنجانی به روحانیت مبارز پیشنهاد لیست مشترک برای انتخابات مجلس را داد و تنها پس از مخالفت این

گروه بود که رفسنجانی گروه «کارگزاران سازندگی» را به راه انداخت. تجربه حوادث شش ساله گذشته درس بزرگی برای مرتجعان حاکم بوده است و آنها دریافته اند که اختلاف و چند دستگی آنها می تواند مورد بهره برداری دیگر نیروها قرار گیرد و از این رو به راه اندازی گروه آبادگران تکرار تجربه ای است که در مجلس چهارم تحقق یافت، در مجلس پنجم از هم پاشید و در مجلس هفتم دوباره تولد پیدا کرد. شباهت برخی از شعارهای و برنامه های نظری «آبادگران» در زمینه تبدیل ایران به «زاین اسلامی» و عادی سازی روابط با آمریکا و غرب در مجموعه همان سیاست هایی است که «سردار سازندگی» رژیم برای دو دوره در ایران پیاده کرد و کشور ما را در وضعیت فاجعه بار کنونی قرار داد.

### ایران پس از انتخابات

انتخابات هفتمین دوره مجلس و پاکسازی اصلاح طلبان حکومتی از مجلس آغاز روندی است که قاعدتاً باید با خاتمه دوران ریاست جمهوری محمد خاتمی به مرحله پایانی خود برسد. تجربه شش ساله گذشته درس بزرگ و گرانبهایی برای همه نیروهای آزادی خواه و تحول طلب کشور است. مماشات و سازش کاری با ارتجاع و برتر شمردن منافع «نظام» بر منافع جنبش مردمی فرصت تاریخی جدی برای طرد استبداد را به عقب انداخت و موجب گردید تا ارتجاع با هزینه نسبتاً ناچیزی در راه بازگشت به دوران پیش از خرداد ۷۶ گام بردارد. آنچه مسلم است جنبش مردمی برای اصلاحات و طرد رژیم ولایت فقیه خاموش شدنی نیست. جنبش ها همواره راه پر فراز و نشیبی را پیش از پیروزی نهایی طی می کنند و تجربه اخیر نیز خارج از این چارچوب نیست. آنچه امروز مهم است این است که با درس گیری از حوادث سال های اخیر و خصوصاً این نکته که ساختار استبدادی رژیم ولایت فقیه، یعنی استبداد قرون وسطایی و مطلق یک فرد قابلیت اصلاح شدن را ندارد و تنها با طرد این رژیم است که می توان راه به سوی آینده را گشود. جنبش مردمی میهن ما از توان بالایی برخوردار است، ضعف اساسی این جنبش پراکندگی نیروهای سیاسی آزادی خواه و تحول طلب و عدم سطح مناسبی از هم آهنگی مبارزاتی در مقابل صف واحد ارتجاع است. فائق شدن بر این ضعف در کنار تشدید تلاش برای سازمان دهی مبارزه اجتماعی گسترده بر ضد سیاست های رژیم مجموعه واحدی است که نیازمند تلاش مشترک همه نیروهای ترقی خواه میهن ماست. تجربه شش سال گذشته نشان داد که ارتجاع می تواند با ایجاد انشقاق و تشتت در صفوف نیروهای مخالف استبداد و با حوصله و حرکت های گام به گام جنبش را به چالش طلبیده و مواضع از دست رفته خود را پس بگیرد. آنچه روشن است این است که با توجه به تسخیر مجلس هفتم توسط مرتجعان حاکم «راه های قانونی» اصلاحات به شدت محدود و هرچه مسدود تر می شوند. باید مبارزه را به درون جامعه برد و با بسیج نیروهای اجتماعی و ایجاد صف واحد ضد استبداد و ضد دیکتاتوری مرحله جدید مبارزه برای طرد رژیم ولایت فقیه را پی ریخت.

### ادامه هائیتی در مقابله با ...

مشخص شده که ایالات متحده به این خشونت کمک می کند تا دولت آریستید سرنگون شود. .... این ... یک تغییر رژیم است.» جسی جاکسون، کشیش و سیاستمدار دموکرات مشهور آمریکایی، خواستار حمایت از آریستید شد. او گفت «اگر فوراً اقدامی صورت نگیرد، پرزیدنت ممکن است کشته شود. ما نباید اجازه دهیم که دموکراسی در هائیتی به چنین سرنوشتی دچار شود.» حقیقت این است که دولت کنونی هائیتی در چند سال اخیر، اقدام های مشخص فراوانی را در جهت بهبود شرایط زندگی مردم انجام داده است. حداقل دستمزدها تقریباً دو برابر شده است و در فاصله بین سال های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۰، یعنی چهار سال، بیشتر از ۱۹۰ سال پیش از آن در این کشور مدرسه ساخته شده است. بودجه های خدمات عمومی، بهداشت مادران و کودکان و درمان عمومی و کشاورزی افزایش یافته است. آنچه که در تقابل با سیاست های آمریکا، صندوق بین المللی پول و بانک جهانی قرار دارد و باعث خشم آنها شده است. در مقابله با شورش، آریستید از مردم خواسته بود تا وارد عمل شوند و به مقابله با شورشیان پردازند. آریستید همزمان از محافل بین المللی خواسته بود تا برای جلوگیری از خشونت و کشتار مردم و وقوع فاجعه در این کشور، به مردم هائیتی کمک کنند. با سقوط پورتو پرینس و استعفای آریستید، شورشیان مورد حمایت آمریکا توانستند تا توطئه خود را با موفقیت به مراحل نهایی برسانند.

بر اساس آخرین گزارش ها آریستید در تلفن به یک سناتور آمریکایی، از آفریقای مرکزی اظهار داشته است که سربازان آمریکایی او را ربوده و در هوایما نشانده و به آفریقای مرکزی پرواز داده اند. این سناتور آمریکایی خواستار رسیدگی به این امر شده است. آنچه مسلم است این است که نقش آمریکا در این کودتای ضد مردمی بسیار جدی است و در راستای سیاست های جدید آن در قاره آمریکا قرار دارد.

## هائیتی در مقابله با کودتای ارتجاعی

به دنبال حمله نظامی نیروهای ضد دولتی دست راستی در هائیتی، برضد دولت قانونی و منتخب این کشور و رئیس جمهوری آن، ژان برتراند آریستید، بحران سیاسی این کشور وارد مرحله حساس و خشونت و کشتار شد. هفته گذشته در «گوتایوس»، چهارمین شهر بزرگ هائیتی، نیروهای مسلح به رهبری افراد وابسته به رژیم سابق و نیروهای شبه نظامی دست راستی، خیابان ها را اشغال کردند، مراکز پلیس و ساختمان های دولتی رابه آتش کشیدند و به کشتار طرفداران دولت انتخابی پرداختند که بنا به گزارشهای منتشره در ۱۶ فوریه، بیش از ۳۰ نفر کشته شدند که ۲۱ نفر آنها پلیس بودند.

در روز ۲۲ بهمن ماه (۱۱ فوریه) دولت اعلام کرد که بخشی از شهرهای اشغال شده را آزاد ساخته و طرفداران دولت با سنگر بندی در دروازه شمالی «پورتا پرینس»، پایتخت کشور، خود را آماده مقابله با حمله احتمالی شورشیان کرده اند. (نیویورک تایمز ۱۱ فوریه) شورش کنونی علیه دولت انتخابی هائیتی به بهانه «تقلب» در انتخابات سال ۲۰۰۰ صورت گرفته است اما در اصل ریشه آن را در هم آهنگی نیروهای دست راستی این کشور برای تحمیل شرایط سیاسی ضد مردمی به کشور و در نهایت «تغییر رژیم» در هائیتی دید. نیروهایی که در حال حاضر برضد دولت «آریستید» شورش کرده اند، افراد شناخته شده بی هستند که سابق جنایتکارانه فراوانی دارند. از جمله این افراد، «لویز جودل چامبلین»، رئیس «جوخه های مرگ» رژیم سابق هائیتی است که در دهه ۸۰ میلادی مسبب قتل راهزنانه بسیاری از فعالان سیاسی بوده است. او در حال حاضر رهبری حزب «جبهه مترقی و پیشرو هائیتی» را بر عهده دارد. حزبی که در اوایل دهه ۹۰ هزاران نفر از نیروهای دموکرات و مترقی هائیتی را به قتل رساند. فرد دیگر رهبری کننده این شورش، «گای فیلیپ»، رییس پلیس سابق این کشور است که در پی کودتای ناموفق خود برضد «آریستید» در سال ۲۰۰۲ به جمهوری دومینکن گریخت. همزمان با این شورش، نیروهای دست راستی و ضد دولتی، که بیشتر تحت فرمان سرمایه داران و بزرگ مالکان این کشور هستند، فشار را به آریستید بیشتر کردند تا مجبور به استعفا شود.

ایالات متحده، کانادا و فرانسه در هماهنگی خواستار استعفای آریستید شده اند. نیروهای دست راستی هائیتی به خوبی می دانند که به دلیل محبوبیت دولت آریستید، به ویژه در میان کارگران و زحمتکشان، نمی توانند از طریق انتخابات دموکراتیک، قدرت را به دست بگیرند و آگاهند که اکثریت مردم نیز پذیرای سیاست های آنها نخواهند شد، از این رو در هم آهنگی با یک دیگر و با بهره گیری از این حقیقت که کشور نیروی مسلح ندارد، تدارک شورشی همه جانبه را دیدند. هائیتی در مجموع کمتر از ۵ هزار نیروی پلیس دارد که بیشتر برای ایجاد نظم عمومی مورد استفاده قرار می گیرند و دارای هیچ گونه امکانات نظامی ویژه برای مقابله با شورش نیست. این آن امری است که دست نیروهای شورشی را که بررغم ادعای آمریکا، از پشتیبانی کامل این کشور برخوردار هستند، را برای تعرض و حمله بیشتر باز گذاشته است. در همین رابطه سناتور دموکرات «باربارا لی» که به تازگی دیداری از هائیتی داشته است، پس از بازگشت، در نامه یی به کالین پاول، در ۱۲ فوریه، نوشت: «یک کودتای خشن در شرف تکوین است و

به رو خواهد بود. پیش بینی می شود که در یک دهه آینده ۱۵ عضو کنونی اتحادیه اروپا به جذب ۱۷ میلیون کارگر از خارج از مرزهای خود نیاز خواهند داشت. برای مثال دولت انگلستان در سال های اخیر برای جذب نیروی متخصص در زمینه های پزشکی، پرستاری و خدمات کامپیوتری در اسپانیا، فیلیپین و هندوستان کوشش کرده است. البته محور عمده این تلاش ها جذب نیروی متخصص با کمترین حقوق و نیز بدون تضمین حق اقامت دائمی برای استخدام شدگان است. دو هدف اصلی کشورهای اتحادیه اروپا از وضع قوانین را باید ازسویی جذب نیروی کار ارزان و متخصص، و لذا افزایش کار آبی همراه با نگاه داشتن هزینه تولید در سطح نازل، و از سویی دیگر جلوگیری از ایجاد شرایطی است که در آن بهای نیروی کار به دلیل نیاز به مهارت ها افزایش پیدا کند. در اساس سیاست مهاجر پذیری کنترل شده کشور های اصلی سرمایه داری نه فقط پایه های انسان دوستانه نداشته بلکه در خدمت حمله به دستمزد و شرایط کاری کارگران بومی است. دولت های خدمت گذار سرمایه می کوشند که با تامین نیروی کار ارزان و ایجاد رقابت برای بدست آوردن کار، سطح حقوق کارگران را ثابت نگهدارند و یا آن را تنزل دهند. چنین روندی تهدیدی جدی برضد منافع کارگران این کشورها خواهد بود و به وسیله یی برای ایجاد اختلاف بین کارگران و زحمتکشان کشورهای اروپایی تبدیل خواهد شد. جلسه «خصوصی» سران انگلستان، آلمان و فرانسه را می توان آغاز گر مرحله جدیدی در شکل گیری اتحادیه اروپا در دوره کیفیتا جدید پس از جنگ عراق دانست که متوجه اهداف اصلی زیر است:

۱. ایجاد گروه رهبری در اتحادیه اروپا و بدست گرفتن کنترل نهادهای اصلی این اتحادیه و در جهت تامین منافع سه کشور بزرگ و تحمیل نظرات و تصمیم ها به کشورهای کوچکتر.
۲. ایجاد هم آهنگی بیشتر با سیاست های آمریکا و جلوگیری از برخورد های امپریالیستی. همکاری یی که برای ادامه سیاست های نظامی گری و پیش بردن سیاست «جهانی شدن» ضروری است.
۳. تعیین سیاست های ویژه در مورد ورود کشورهای جدید به اتحادیه اروپا که بتواند علاوه بر تامین نیروی ارزان، بازار های جدیدی را نیز برای کالاهای کشورهای قدرتمند باز کند.

## ادامه ائتلاف سه گانه و رهبری ...

مشترک سه کشور برای جلوگیری از هجوم جویندگان کار از کشورهای تازه ملحق شده به اتحادیه اروپا، اصرار کرد. سه کشور اعلام کردند که بر خلاف مصوبات بروکسل، که شرایط سخت تری را در پیش گرفته است، طرح جدید توجه زیادی به «حقوق مهاجران» خواهد داشت و امکان «مهاجرت های قانونی» را بوجود خواهد آورد. در هلند، مجلس این کشور قانون شدیدی ضد پناهجویی جدیدی را به تصویب رساند که بر اساس آن هزاران نفر از پناهجویان این کشور، حتی کسانی که سال های متممادی در این کشور زندگی کرده اند و تشکیل خانواده داده اند، به احتمال قوی در خطر اخراج قرار خواهند گرفت. بر اساس این قانون، بیش از ۲۶ هزار نفر اخراج خواهند شد و تنها ۲۳۰۰ نفر که پرونده آنها «حساس» ارزیابی شده، باقی خواهند ماند. این اقدام هلند در هم آهنگی با سیاست های اتحادیه اروپا و در جهت «انتخاب پناهجوی مناسب» صورت می گیرد. روز دوشنبه ۴ اسفندماه (۲۳ فوریه) نیز دولت انگلستان اعلام کرد که برای جلوگیری از ورود بی رویه مهاجرین از کشورهای تازه ملحق شده اروپای شرقی به انگلستان، کسانی که وارد این کشور می شوند، تا دو سال از خدمات و مزایای دولتی و تامین اجتماعی محروم خواهند بود و باید با اجازه کار وارد انگلستان شوند. با این حال دولت اعلام کرده است که اقتصاد انگلستان نیاز به نیروهای مهاجر متخصص دارد و آنها می توانند با داشتن مجوز وارد کشور شوند. (خبرگزاری بی بی سی، دوشنبه ۲۳ فوریه).

کشورهای دیگر اروپایی در شمال و غرب نیز قوانین مشابه ای را برای فشار به مهاجران در نظر گرفته اند. از جمله سوئد و نروژ که در دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ میلادی سیاست های مهاجرت ملایم تری را در مقایسه با بقیه کشورهای اروپایی داشتند، موانع فراوانی را برای جلوگیری از ورود مهاجرین ده کشور جدید اتحادیه اروپا تدارک دیده اند. اتخاذ سیاست های غیرانسانی برضد پناه جوینان و مهاجران در شرایطی صورت می گیرد که تمامی این کشورها با بحران های دامنه دار اقتصادی روبه رو هستند. در عده یی از این کشورها هر روزه بر خیل عظیم بیکاران افزوده می شود و شرایط زندگی برای کارگران و زحمتکشان رو به وخامت بیشتر می گذارد. جالب توجه است که متخصصان بازار کار معتقدند که به دلیل پائین رفتن حد متوسط تولید در کشورهای اروپایی در سال های آینده اتحادیه اروپا با کمبود نیروی کار رو

## «ائتلاف سه گانه»، و رهبری اتحادیه اروپا

اجلاس اخیر تونی بلر، نخست وزیر انگلستان با ژاک شیراک، رئیس جمهوری فرانسه، و گرهارد شرودر، صدراعظم آلمان، در روز ۲۹ بهمن (۱۸ فوریه)، در برلین و در جریان یک «جلسه خصوصی» برای گفتگو در مورد شرایط گسترش اتحادیه اروپا و منافع آتی سه کشور بزرگ به لحاظ درک برنامه امپریالیسم اروپا برای هدایت پروژه «اتحادیه اروپا» از اهمیت خاصی برخوردار است. اهمیت این اجلاس مخصوصاً به دلیل شرکت نخست وزیر انگلستان و نقش کلیدی برخی از نقطه نظرات تونی بلر - این متحد ثابت قدم جورج بوش - که تا چندماه قبل رهبری سیاسی شدیداً ضد فرانسه و آلمان را به عهده داشت، در شکل دهی به مصوبه های این اجلاس بود. تا یک سال قبل رهبری اتحادیه اروپا عمدتاً در کنترل اتحاد آلمان و فرانسه بود.

سال گذشته اتحادیه اروپا دوره سختی را به لحاظ تقابل منافع اعضاء اصلی آن و برخوردهای جنجال برانگیز و حتی زیر علامت سؤال رفتن لزوم همگرایی اقتصادی های اروپایی از سر گذراند. از مهم ترین تنش ها در رابطه با سیاست گذاری هماهنگ اتحادیه اروپا، مساله جنگ عراق بود که سبب دوپارچگی در میان کشورهای این اتحادیه و متعاقب آن نیز عدم ثبات «یورو» در پائیز گذشته شد. پس از آن نیز بی نتیجه ماندن مذاکرات و روند تصمیم گیری در مورد تصویب نهایی «کنوانسیون» (در واقع قانون اساسی) اتحادیه اروپا بود عملاً به معنی عدم ایجاد تغییرات برنامه ریزی شده در کمیسیون (در عمل دولت مرکزی) اتحادیه اروپا قبل از ورود رسمی ده کشور جدید به جمع اتحادیه اروپا در اول ماه مه ۲۰۰۴ شد. در اینکه برخی از این تقابل منافع منبعث و ناشی از فعالیت های ایالات متحده آمریکا و متحدان اروپایی آن (نظیر انگلستان و لهستان و برخی کشورهای دیگر اروپای شرقی) جهت جلوگیری از پایگیری یک بلوک اقتصادی - سیاسی - نظامی رقیب می باشد، تحلیل های متعددی وجود دارد.

اجلاس اخیر سران سه کشور آلمان، انگلستان و فرانسه در شرایط کنونی را باید کوششی حساب شده برای برخورد به موارد مختلف از جمله مساله محوری جهت گیری های عمده آتی اتحادیه اروپا و نحوه تصمیم گیری در مورد تقسیم مناطق نفوذ در جهان دانست. مواردی که علاوه بر تحکیم ثبات اتحادیه اروپا و بهبود روابط با ایالات متحده، بتواند منافع این سه کشور عمده اروپا را به عنوان «رهبران» این اتحادیه تضمین کند و حافظ امتیازات ویژه بی باشد که از دیر باز مورد توجه محافل حاکمه این قدرت های سنتی اصلی در اروپا بوده است. بحث های سران سه کشور بزرگ اروپا در جریان اجلاس برلین نمایش دهنده تلاش های آنان برای تحمیل نظر در رابطه با تعیین مسئولان اداره کمیسیون های کلیدی (وزارتخانه های اتحادیه اروپا) و از این طریق بدست گرفتن رهبری عملی اتحادیه اروپا بود، تا بتوانند نقش اصلی را در هدایت تغییرات ساختاری، برنامه ریزی سیاست های صنعتی و تکنولوژی پیشرفته و تقسیم کار در اروپا، ایفا کنند. اولین اقدام این سه کشور، که بر سر آن توافق کامل وجود داشت، ارسال نامه بی به ریاست نوبتی اتحادیه اروپا بود (که در حال حاضر بر عهده جمهوری ایرلند است). در این نامه سه کشور خواستار تغییر در سیستم ساختاری اتحادیه اروپا، از جمله ایجاد پست جدید نایب رئیسی در زمینه ایجاد «اصلاحات» اقتصادی، شدند (گاردین ۱۹ فوریه ۲۰۰۴). این تغییرات بیشتر در زمینه صرفه جویی ها و کاستن از بودجه های عمومی، به ویژه در بخش خدمات عمومی و درمانی و در مقابل افزایش بودجه های نظامی است. عرصه های اقتصادی مورد توجه سه کشور در سخنان گرهارد شرودر، صدراعظم آلمان، به وضوح آشکار است. سخنانی که او چندی پیش و پس از مدت ها در گیری در درون حزب سوسیال دموکرات آلمان، به آن اشاره کرده بود. او بر لزوم صرفه جویی و کاهش در بودجه خدمات عمومی و درمانی و به ویژه مزایای بازنشستگی تاکید داشت و این که این منابع مالی باید برای سرمایه گذاری در «سایر زمینه ها» استفاده شود (گاردین، ۱۹ فوریه ۲۰۰۴).

یکی از اهداف عمده این سه کشور این است که، در جهت اهداف «جهانی سازی» سرمایه داری، سیاست های صرفه جویی در بودجه های عمومی، وسعت بخش خصوصی و خصوصی کردن نهاد های دولتی را گسترش داده و از سوی دیگر بودجه های نظامی را

افزایش داده و نوعی نیروی نظامی واکنش سریع برای دفاع از منافع امپریالیسم اروپا را سازمان دهند. همچنان که پس از کنفرانس ناتو در مونیخ در اواسط بهمن ماه، ژاک شیراک و تونی بلر در بیانیه مشترکی اعلام کردند که دو کشور در مورد ایجاد ارتش واکنش سریع برای «حفظ صلح» در اروپا به توافق رسیده اند. وظیفه اصلی این ارتش حضور در نقاطی خواهد بود که نیروهای «ناتو» نمی توانند به آن دسترسی داشته باشند و در واقع این ارتش نیروی کمکی بی برای ناتو و در همکاری مستقیم با آن خواهد بود. این نیرو متشکل از ۱۵۰۰ نفر پرسنل ویژه نظامی خواهد بود که طی ۱۵ روز آماده عملیات در هر گونه شرایطی خواهند بود. (Dagens Nyheter، خبرهای روز ۱۰ فوریه)

جلسه سران سه کشور بزرگ اروپا با مخالفت و اعتراض جدی سایر کشورهای اتحادیه اروپا، به ویژه ایتالیا، اسپانیا، هلند و لهستان روبرو شد. این کشورها جلسه اخیر را خطری جدی برای منافع خود و اقدام بی سابقه این سه کشور بزرگ در جهت به دست گرفتن رهبری اتحادیه اروپا و تبدیل کشورهای دیگر به کشورهای دسته دوم دانستند. سیلیویو برلسکونی، نخست وزیر ایتالیا در بیانیه بی که در مورد جلسه سه کشور صادر کرد، گفت: «اروپا نیازی به رئیس ندارد، این فقط یک شلوغ کاری است، ..... این نظر من است، نظری که کاملاً در توافق با سایر کشورهای اروپایی قرار دارد، به غیر از این سه کشور». (گاردین ۱۸ فوریه ۲۰۰۴)

در روز ۱۶ فوریه ایتالیا به همراه اسپانیا، هلند، پرتغال و لهستان و استونی، اعلام کردند که قوانین اتحادیه اروپا باید بدون تبعیض در مورد همه، یکسان عمل شود. در بروکسل نیز اعضای اتحادیه اروپا از طرح سه کشور برای ایجاد کمیسیون های عالی، کمیسیون هایی که قادر است کمیسیون های بازار های داخلی، محیط زیست، بازرگانی و صنعت را کنترل کند، انتقاد کردند. تحلیل گران اروپایی مطرح کردند که تصمیم سه کشور بزرگ متضمن تقسیم کشورهای اتحادیه اروپا به لایه های مختلف است، که در آن لایه بالایی یعنی آلمان، انگلستان و فرانسه، ریاست اتحادیه را بر عهده خواهند گرفت و سایر کشورهای کوچک تر (۱۲ عضو کنونی اتحادیه) تحت رهبری این مرکز خواهند بود و در پایین ترین سطح نیز کشورهای تازه ملحق شده به اتحادیه اروپا هستند که نقش آنها تامین نیروی کار ارزان و بازارهای جدید برای کالاهای کشورهای بزرگ است. در این تقسیم بندی، طرح جدیدی در برابر کشورهای اتحادیه اروپا قرار می گیرد که بر اساس آن، کشورهای بزرگتر از حق رای و نفوذ بیشتری برخوردار خواهند بود و سایر کشورهای نیز به تناسب جمعیت و قدرت، حق رای و نفوذ کمتری را خواهند داشت. البته در مورد این طرح، کشورهای اسپانیا و لهستان نیز با کشورهای بزرگ همراهند اما سایر کشورها با طرح قبلی که اکثریت ساده ۱۳ کشور از ۲۵ را برای تصمیم گیری ها می پذیرد، موافق هستند. موضوع دیگر اجلاس برلین در رابطه با کنترل مهاجرین و چگونگی برخورد با آنها پس از اول ماه مه بود، که در آن تونی بلر برای طرح

## ادامه در صفحه ۷

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هر گونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany  
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK  
3. <http://www.tudehpartyiran.org>

**Nameh Mardom-NO 681**  
**Central Organ of the Tudeh Party of Iran**

3 March 2004

**شماره فاکس و**  
**تلفن پیام گیر ما**  
۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام IRAN e.V.  
شماره حساب 790020580  
کد بانک 10050000  
بانک Berliner Sparkasse